خراسان رضوی

صفحه آخر

یک شنبه
۸ اردیبهشت ۱۳۹۸
۲۲ شعبان ۱۴۴۰
۸ صفحه/شماره ۴۱۱۴

مشهد	تایباد	تربت جام	تربت حیدریه	درگز	سبزوار	قوچان	نیشابور
Mashhad	Taybad	Torbatjam	TorbatHeydarieh	Dargaz	Sabzevar	Quchan	Nishapur
▲۱۹ ۹▼	▲۲۱ ۱۲▼	▲۲۰ ۱۱▼	▲۲۲ ۹▼	▲۲۲ ۱۰▼	▲۲۳ ۱۳▼	▲۱۸ ۶▼	▲۲۰ ۹▼

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق (ع)

بدانید که خداوند از انسان‌هایی که دایما رنگ عوض می‌کنند نفرت دارد. پس از حق و اهل آن جدا نشوید.
(میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۵۸)

مناجات

علامه حسن زاده آملی

الهی، شکرت که دوستانم عاقل‌اند و دشمنانم احمق.
الهی، تا به حال می پنداشتم معرفت نفس، مرقات معرفت توست. شکرت که مرقات را اسقاط کردی و به سرّ اشارت نبی و وصی «مَن عَرَفَ نَفسَهُ فَقَد عَرَفَ رَبَّهُ»، «أعلَمُکُم بِنَفسِه أعلَمُکُم بِرَبِّه»، آشنا فرمودی.
الهی، شکرت که به هر سو رو می کنم، کریمهٔ (فَأینما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجهُ‌اللّه...- بقره/۱۱۵)، بر ایم تجلی می کند.
الهی، شکرت که دنیایم آخر تم شد.
الهی، شکرت که از ظرف لغوِ زمان به در بردی و در ظرف فوق آن مستقرّم کردی.

با شاعران

خبر

مریم ترسول

دانش‌آموزان و معلمان مدرسه خاقانی بعد از ۳۴ سال گردهم آمدند

نیمکت‌های پُرخاطره

عکس مربوط به ۱۳۶۴

دانش‌آموزان و معلمان قدیم مدرسه خاقانی (دانشوران) مشهد، بعد از ۳۴ سال گردهم آمدند. یک بهانه این جمع دوستانه، «هفته معلم» بود که چند روز دیگر برگ‌های تقویم به آن می‌رسد اما بهانه بزرگ‌تر، تازه کردن دیدارها و احوال‌پرسی از دوستان قدیمی بود. ناظم و مبصران کلاس‌ها، ۲۵۰ دانش‌آموز قدیمی و بابای مدرسه، خانواده ۱۵ شهید این مدرسه در سال ۶۴ و واقف زمین این مرکز آموزشی، همگی در این دورهمی دلپذیر حضور یافتند و دیدارها را تازه کردند و از خاطرات روزهای درس و مدرسه گفتند. نیمکت‌های قدیمی و پُرخاطره آن روزها، حالا برای نسلی که قد کشیده و گرد سپید ایام بر موهایش نشسته بود، کوچک و تنگ می‌نمود اما مثل گذشته صمیمانه، شانه به شانه دوستانشان نشستند و از شیرینی‌های روزگار گفتند و شنیدند. این دانش‌آموزان قدیمی در دورهمی خود، به یاد آن سال‌های درس و مدرسه، به محض ورود معلمان شان، برپا گفتند و سرود ملی ایران و دعای فرج را هم صدا خواندند. همچنین برای زنده کردن نام و یاد ۱۵ شهید مدرسه خاقانی و دانش‌آموزان و معلمانی که طی این سال‌ها از میان آن‌ها رفته‌اند، فاتحه و اخلاصی قرائت کردند. هر کدام از آن کودکان دیروز و مردان جاافتاده امروز، بعد از ۳۴ سال بار دیگر نام خود را برای آموزگاران شان یادآوری و هدایایی را به معلمانشان تقدیم کردند و عکس یادگاری گرفتند. اولین دورهمی دانش‌آموزان مدرسه خاقانی و معلمان بعد از ۳۰ سال و با حضور ۳۲ دانش‌آموز و ۵ معلمشان در سال ۹۴ برگزار شد. دورهمی بعدی با حضور ۴۲ دانش‌آموز و ۱۰ معلم در سال ۹۵ و سومین گردهمایی با حضور ۲۰۰ دانش‌آموز و ۱۵ معلم در سال ۹۶ بود. پس از آن نیز در سال ۹۷، ۲۰۰ دانش‌آموز و ۲۵ معلم گردهم آمدند و این برنامه همچنان به مدد همراهی همکلاسی‌های قدیمی و معلمان خوبمان در سال‌های بعد نیز ادامه خواهد یافت.

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر

تصویری از آرشیو خراسان - تیمارستان در حال ساخت حجازی واقع در خیابان سمرقند - ۱۳۲۹

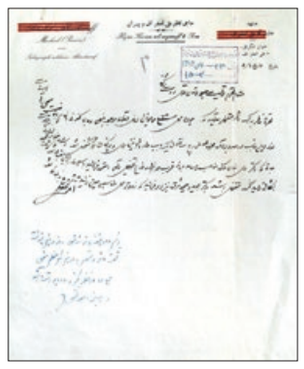

درخواست میرزا خلیل اصغراف از تولیت آستان قدس مبنی بر اختصاص محل مناسب از اراضی اندشت جهت ساخت مکانی برای دارالمجانین

روایتی از ماجرای ایجاد اولین مراکز درمانی برای بیماران روانی

ساخت بیمارستان روانی از محل عوارض قند و چای

مجانین و دیوانگان در نظام درمانی ایران جایگاه خاص خودشان را داشته‌اند. می گویند در روزگاران قدیم، برخورد مردم با این بخت برگشتگان خوب نبوده و اگر در خانواده‌ای فردی به جنون یا بیماری‌های روانی دچار می شده، یا او را از خانه طرد یا در زیرزمین‌های تاریک و نمناک و ویرانه‌ها نگهداری می کردند. اما بعدها در نظام درمانی کشورمان مراکزی برای نگهداری این افراد شکل می گیرد که با عناوین «بیمارستان»، «دیوانه‌ستان»، «مارستان»، «دارالمجانین» و «تیمارستان» شناخته می شدند. اسناد و شواهد تاریخی بیانگر برخورداری حداقلی این مراکز از امکانات در مقایسه با سایر موسسات درمانی است. در دوره معاصر، وقوع اتفاقات تلخ و ناگوار گوناگون در گوشه و کنار شهرها توسط بیماران روانی، منجر به تاسیس اولین بیمارستان روان پزشکی با نام «دارالمجانین» در باغ اکبرآباد تهران واقع در خیابان سینا می شود. بدین ترتیب بیماران پس از جمع آوری از سطح شهر، در اتاقک‌های بسیار کوچک و در وضعیتی نامساعد نگهداری می شدند. به دنبال تاسیس دانشکده پزشکی و ایجاد کرسی بیماری‌های روانی در سال ۱۳۱۹ در دانشگاه تهران، کار آموزش دانشجویان نیز در این موسسه شروع شد. بعدها مراکزی از این دست در شهرهای مختلف توسعه پیدا کردند و خدمات روان درمانی تخصصی‌تر ارائه می شد و نگهداری از بیماران این حوزه نیز در مراکز مجهزتر انجام می گرفت. اما در شهر مشهد ماجرای اختصاص مکانی تحت عنوان دارالمجانین، تیمارستان یا محل نگهداری دیوانگان حکایت شنیدنی دارد که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

ورود بلدیه به پرونده مجانین

قدیمی‌ترین مکانی که در شهر مشهد مجنونین در آن نگهداری می شدند در دارالشفای حضرتی و در جوار حرم مطهر امام رضا(ع) بوده است، تا این که در تاریخ ۲۴ رمضان ۱۳۳۸ طی نامه‌ای به اداره بلدیه موضوع تحویل دارالمجانین را مطرح کرده‌اند. طبق این سند، چون تا آن زمان در مشهد اداره رسمی بلدیه تشکیل نشده بود؛ اداره دارالشفاء، جمع‌آوری مجانین و ابناء مجانین را به عهده گرفته بود. اما بعدها که اداره بلدیه رسمیت یافت حسب وظیفه دارالمجانین و اطفال رضیع را از دارالشفاء تحویل گرفت[۱]. بنابراین پس از مدتی با کمک میرزا خلیل اصغراف کوزه کنانی از تجار مشهد در اراضی الندشت مکانی برای مجنونین ساخته شد. نخستین مکاتبات در خصوص تأسیس دارالمجانین جدید در شهر مشهد مربوط به سال ۱۳۰۵ ش. است که میرزا خلیل اصغراف از تولیت آستان قدس درخواست نمود تا در اراضی الندشت مکانی مناسب دیوانگان اختصاص داده شود. در این نامه نوشته شده است: «چون محل مستقلی جهت مجانین در ارض اقدس موجود نیست و جای کنونی آن‌ها با وضعیت صحی بی تناسب است؛ لذا این جانب در صدد برآمده محض ا... مخارج ساختمان یک باب دارالمجانین برای دیوانگان شهر را متکفل شود. استدعا می نماید از اراضی الندشت جایی که دکتر برای بنای مذکور مناسب و مساعد بداند، قریب دو هزار ذرع تخصیص داده و مقرر فرمایید به اسم دارالمجانین قباله شود که در آتیه اشکالاتی تولید نگردد. مقتضی باشد به دکتر بلدیه و صحه شرق نیز امر فرمایید که زودتر محل مناسبی معین نمایند تا شروع به بنایی شود.[۲]»

خاطرات دکتر حجازی از تاسیس دارالمجانین در مشهد

اما دکتر حجازی از پزشکان قدیمی مشهد و از موسسان دارالمجانین طی گزارشی سوابق این مرکز را چنین بیان کرده است: در گذشته عده‌ای مجنون در دارالشفاء برای معالجات جسمی نگاهداری می شد و چون وسایل معالجه آن‌ها فراهم نبود، موجبات ناراحتی سایر بیماران را فراهم می کردند. شخصا درصدد برآمدم که محل مستقلی برای مجانین آماده کرده و آن‌ها را از دارالشفاء جدا کنم. چون اهالی از اجاره منازل خود اکراه داشتند و به ناچار یک قطعه زمین در میدان سوم اسفند و پشت عمارات کوزه کنانی که بلامعارض بود برای مجانین اختصاص یافت و چهار اتاق خشت گلی ساخته شد و ۵ نفر مجنون به آن جا منتقل شد و ۲ نفر از پرستاران دارالشفاء برای رساندن غذا و پرستاری آن‌ها گمارده شدند و شخصی نیز برای سرکشی تعیین گردید. این وضع ادامه یافت تا شهرداری شکل گرفت و تیمارستان مزبور به شهرداری تحویل داده شد. چون در انجمن شهرداری نیز سمت نمایندگی داشتم به وضع مجنونین رسیدگی می کردم. در خلال این احوال، کوزه کنانی محل فعلی استانداری را از آستان قدس اجاره کرد و چون بودن مجانین در مجاورت و همسایگی وی موجب سلب آسایش و راحتی او می شد، در نتیجه موافقت کرد تا محل دیگری تهیه و تیمارستان به آن منتقل شود. بالاخره محل تیمارستان که چند اتاق خرابه بود، تهیه گردید و مبلغ ۷۵۰ تومان بهای آن را کوزه کنانی پرداخت و پس از انجام تعمیرات جزئی، مجانین منتقل شدند. این محل کمتر از ۱۰۰۰ متر و فاقد وسایل لازم و چند اتاق بود و چون ساختمان بر خلاف اصول علمی و شایسته مجانین نبود، بنابراین به آن سروسامانی داده شد و چند سال مجانین در آن جا نگهداری می شدند. در اواخر پهلوی اول حدود ۵۰ نفر مجنون در تیمارستان نگهداری می شدند و ساختمان دارالمجانین دو قسمت بود که اختصاص به مردان و زنان داشت و گنجایشی حدود ۸۰ نفر داشت.

کوچه دیوانه خانه

مرحوم دکتر جهانگیر فرخ[۳] نیز در خاطراتش به سوابق دارالمجانین اشاره نموده و گفته است: «برای اولین بار در میدان ده دی مکانی متعلق به کوزه کنانی از تجار مشهد مختص دیوانگان بود. وی این مکان را در اختیار شهرداری گذاشت. سال‌ها بیماران روانی در این مکان بدون داشتن پزشک یا پرستار زندگی می کردند، آن‌ها بیشتر در غل و زنجیر بودند. پس از آن در آخر خیابان خاکی، در کوچه دیوانه خانه مکانی اختصاص به بیماران روانی داده شد که آن جا بیماران سرپرست داشتند و پزشکان نیز به آنان توجه می کردند.[۴] حتی اداره کل صحیّه مملکتی در سال ۱۳۰۶ ش. از نایب التولیه آستان قدس درخواست پرداخت هزینه‌های دارالمجانین را می کند که به خاطر تصویب شدن بودجه امکان‌پذیر نبوده است[۵]. دارالمجانین علاوه بر خدمت‌رسانی به بیماران مشهدی، مکانی برای پذیرش زوّار مبتلا به اختلال حواس هم بوده است[۶].

ایجاد تیمارستان از محل عوارض قند و چای و پنبه

پس از گذشت چند دهه با تلاش یکی از پزشکان خیر شهر مشهد به نام دکتر موسی حجازی و اقدام شهرداری از محل عوارض قند و چای و پنبه، مکانی در خیابان خواجه ربیع با عنوان «تیمارستان حجازی» ساخته شد. دکتر موسی حجازی در سال ۱۲۵۶ در تهران متولد شد و سال‌ها به عنوان طبیب در مشهد خدمت نمود. وی رئیس دارالشفای رازی مشهد و اولین پزشک قانونی مشهد بود. مهم‌ترین اقدام دکتر حجازی تاسیس تیمارستان حجازی بود. وی در سال ۱۳۳۲ ش. بر اثر سکته مغزی فوت نمود و در بیمارستان دکتر شریعتی مشهد دفن گردید. ساخت بیمارستان حجازی از سال ۱۳۲۸ در زمینی به مساحت ۱۰۰۰۰ متر مربع و زیربنای ۵۰۰۰ متر مربع شروع شد و در سال ۱۳۳۱ به بهره‌برداری رسید.[۷] ساختمان اولیه بیمارستان از یک راهرو تشکیل شده بود که دو طرفش اتاق‌هایی بود برای استراحت بیماران. در ابتدا این بیمارستان به گنجایش یک صد نفر ساخته شد، ولی پس از چند سال حدود چهارصد نفر در آن جا نگهداری می شدند. دکتر تابنده و دکتر هاشمی در امر ریاست و سرپرستی تیمارستان فعالیت داشتند. سال ۱۳۳۴ پس از این که دکتر جهانگیر فرخ دوران تخصصی روان پزشکی را در آمریکا طی نمود، به مشهد آمد و به درخواست اقبال التولیه شهردار مشهد ماموریت داشت تا در بیمارستان حجازی به مداوای بیماران بپردازد. مهم‌ترین مشکل بیمارستان نداشتن بودجه کافی و امکانات رفاهی و پزشکی بود، در سال ۱۳۳۸ با تشکیل انجمن حمایت از بیماران روانی توسط افراد خیر تا حدی وضع بیمارستان بهبود یافت. بیمارستان تا سال ۱۳۳۹ تحت نظر شهرداری مشهد اداره می شد و پس از آن به بهداری تحویل داده شد. این بیمارستان بعد از گذشت سال‌ها و گسترش علم روان پزشکی مجهز شد و همچنین با تشکیل بخش‌های روانی در سایر بیمارستان‌ها، از جمله بیمارستان مادر (در کوهسنگی) و آسایشگاه ابن سینا به صورت علمی به این بیماران توجه شد و خدمات تخصصی برای درمان آن‌ها توسعه یافت.

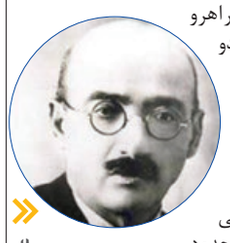

عکسی از دکتر موسی حجازی

منابع

[۱] مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۶۳۰۷۳/۳۵ و ۳۴
[۲] همان، سند شماره، ۶۴۱۱۳/۴
[۳] مصاحبه با دکتر جهانگیر فرخ ۱۳۸۵/۴/۲۰
[۴] سند شماره، ۶۴۱۱۳/۴
[۵]. همان، سند شماره ۶۴۵۷۸
[۶]. همان، سند شماره ۶۷۵۵۴
[۷] روزنامه سیاه و سفید، چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۳۱

یادداشت

سید سعید سیدزادگان

مدیرعامل انجمن ام.اس خراسان رضوی

افزایش کیفیت زندگی مبتلایان به ام.اس در گرو توسعه حمایت‌های اجتماعی

خبر تکان دهنده شیوع رو به رشد ام.اس در ایران و به خصوص در بین جوانان (و از این میان عمدتا دختران جوان)، زنگ خطری است برای توجه اساسی خانواده‌ها به «بهداشت روانی» خود و فرزندانشان. متاسفانه تعداد کل مبتلایان به این بیماری در استان خراسان رضوی تا پایان دی ماه ۱۳۹۷ حدود ۴۰۰۰ مورد ثبت شده است. از سویی، متاسفانه در هر ماه بین ۲۹ تا ۴۱ نفر به تعداد این بیماران در استان افزوده می شود.
ام.اس بیماری خود ایمنی است. دلایل اصلی این بیماری مشخص نشده اما عواملی چون استرس‌های زیاد، شوک‌های عصبی، کمبود ویتامین D3، ضربه‌های شدید فیزیکی، عوامل ژنتیکی، تغذیه ناسالم، آلودگی هوا، مناطق جغرافیایی و... در بروز این بیماری موثر بوده‌اند. با این حال نباید از این مهم غافل شد که این بیماری هزار چهره به گونه‌ای ظاهر می شود که حتی تشابه خاصی بین دو نفر مبتلا به ام.اس نمی توان یافت.
علاوه بر این باید توجه داشت که علایم این بیماری در فاصله ۱۸ تا ۴۰ سالگی و از خفیف تا شدید بروز می کند. بر اساس مطالعات انجام گرفته، مبتلایان به این بیماری، اغلب جوان، باهوش و با استعداد و تحصیل کرده هستند، اما متاسفانه در بسیاری از موارد، ناتوانی جسمی و فقر مالی به عنوان دو عامل عمده، مانع از حضور این بیماران در اجتماع و ادامه تحصیل آن‌ها می شود. افراد مبتلا به ام.اس، در کنار شکایت‌ها و عوارض جسمی، علایم ناخوشایند و غیر قابل پیش‌بینی، رژیم‌های درمانی سخت، عوارض جانبی داروها و... با پیامدهای روانی-اجتماعی شامل شکست در رسیدن به اهداف زندگی، شغل، درآمد، ارتباطات، فعالیت‌های تفریحی و فعالیت‌های روزمره زندگی روبه‌رو هستند و اختلالات قابل ملاحظه‌ای در به‌زیستی روانی و کیفیت زندگی و همچنین علایم افسردگی، خستگی و اضطراب را نشان می دهند. با این حال نکته قابل توجه آن است که علایمی همچون ضعف، کرخ شدن یا بی حسی برخی از اعضای بدن مانند دست و پا، خستگی، نداشتن تعادل، دوبینی، مشکلات روده‌ای، اختلال در حافظه، حساسیت به گرما، لرزش و... نیز از سوی این افراد اعلام شده است. از این رو اصلاح سبک زندگی، خواب و فعالیت متعادل، پرهیز از سیگار و هوای گرم، خودداری از خوابیدن در روان و آب گرم، ورزش متعادل و البته با رعایت احتیاط برای کاهش نشانه‌ها و جلوگیری از پیشرفت سریع بیماری سودمند هستند. نکته قابل تامل آن است که زنان ۳ برابر مردان به این بیماری مبتلا می شوند، هر چند برای این بیماری هنوز درمان قطعی وجود ندارد، اما می توان با درمان دارویی از شدت آن کاست. آن چه که مسلم است، افزایش آگاهی بیماران مبتلا به ام.اس و به کارگیری راه‌های درست درمان، می تواند تا حد قابل توجهی از مشکلات پیش روی آن‌ها بکاهد. در واقع از میان افراد مبتلا به ام.اس در کسانی که بیماری خود را قبول کرده‌اند، احساسات مثبت و ارزشمند به خوبی شکل گرفته است. خوشبختانه با توجه به اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی‌هایی که از طریق رادیو، صدا و سیما و رسانه‌ها در یک سال اخیر انجام شده است؛ سطح آگاهی جامعه در استان درباره بیماری ام.اس و انجمن مردم‌نهاد حمایت از بیماران ام.اس خراسان رضوی بیشتر شده است. همچنین حمایت شبکه‌های اجتماعی پربازدید تاثیر قابل توجهی در معرفی اقدامات انجمن ام.اس و مباحث مرتبط با این بیماری داشته است. باید یادآور شویم؛ حمایت اجتماعی نیرومندترین عامل برای رویارویی موفق با بیماری‌های مزمن و شرایط تنش‌زای ناشی از آن هاست و تحمل مشکلات را برای بیماران تسهیل می کند. حمایت اجتماعی باعث کاهش تنش و افزایش میزان بقا می شود. همچنین برخورداری از حمایت اجتماعی مطلوب، فرد را به سمت سلامت جسمی و به‌زیستی روانی هدایت می کند. شایان ذکر است، بیماری ام.اس یک بیماری مزمن و التهابی مخرب است که روی ارتباطات بین فردی و اجتماعی و به طور کلی به‌زیستی روان شناختی بیماران تاثیر منفی دارد. از این رو پرداختن به جنبه‌های سلامت روان در این بیماران اهمیت بالایی دارد و با توجه به شیوع ام.اس در جهان و به خصوص در ایران و گسترش روزافزون آن، توجه به پیامدهای این اختلال و درمان آن ضروری به نظر می رسد. شکل‌گیری یک حمایت اجتماعی موثر نیز می تواند از بروز عوامل نامطلوب فیزیولوژیکی بیماری در افراد مبتلا جلوگیری کند و میزان خودمراقبتی را در این افراد افزایش دهد و اساسا آن‌ها را امیدوار و مصمم‌تر سازد و در غایت خود، عملکرد فرد را بهبود بخشد.

بریده کتاب

می‌دانی به چه فکر می کنم؟ این که شاید خاطرات انسان‌ها، چیزی شبیه سوخت است که می‌سوزانند تا زنده بمانند. این که موضوع آن خاطره‌ها واقعاً چقدر مهم است، چندان مهم نیست. مهم این است که آن‌ها سوختی برای حفظ شعله‌های زندگی هستند. وقتی قرار است با سوزاندن کاغذ، شعله‌ای را زنده نگه داری، دیگر مهم نیست که روی آن کاغذها چه نوشته‌اند. آگهی‌هایی که روزنامه‌ها را پر کرده‌اند، کتاب‌های فلسفه، تصاویر عریان در یک مجله یا یک بسته اسکناس ده‌هزارینی. آتش، هرگز با خود فکر نخواهد کرد: اُه. این کانت است! یا این نسخه عصر یومیوری است. یا این که: چه پیکر زیبایی. برای آتش، این‌ها چیزی جز کاغذپاره نیستند. ماجرای خاطرات هم چنین چیزی است. خاطرات مهم. خاطرات نه چندان مهم. خاطرات کاملاً بی خاصیت. هیچ تفاوتی ندارند. آن‌ها فقط سوخت هستند، سوختی که شعله زندگی را روشن نگه می‌دارند.

پس از تاریکی –**نویسنده: هاروکی موراکامی**

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com